

مطالعه تعلیلی برون‌ایستادگی رسانه‌های دولتی^۱ در ایران

هادی خانیکی^۲

سید محمد مهدی زاده^۳

سبحان یحیائی^۴

چکیده:

این مقاله، با طرح کردن مفهوم تازه «برون‌ایستادگی» در مطالعات مخاطب‌شناسی رسانه‌ای، به دنبال آن بوده است که چرایی برون‌ایستادگی رسانه‌های دولتی ایران - ترک آگاهانه و پرهیز عامدانه از مصرف رسانه‌های دولتی - را مورد مطالعه قرار دهد. این مقاله، با بهره‌گیری از روش‌شناسی تحلیل کیفی تعاملی (IQA) و با استفاده از ابزار مصاحبه‌های عمقی و مصاحبه‌گروه کانونی، پس از انجام ۲۹ مصاحبه عمقی انفرادی، اشباع نظری را حاصل نموده، و با انجام سه مصاحبه‌ی گروه کانونی در گونه‌های مختلف برون‌ایستادگان اعتراض-مقاومت، برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی و برون‌ایستادگان ابتدال، نموداری تعلیلی از محرک‌ها و پیامدهای سیستم برون‌ایستادگی، بر مبنای معانی ذهنی اظهارشده‌ی نمونه‌های مورد مطالعه را ارائه می‌دهد. پس از شناسایی ۵۵ مفهوم در چرایی برون‌ایستادگی در گام مصاحبه‌های عمقی انفرادی، این مفاهیم در مصاحبه‌های گروه کانونی هرگونه‌ی برون‌ایستادگی مورد بحث‌های کانونی

^۱ دولت، در این مقاله به مفهوم حاکمیت (State) و نه هیئت اجرایی دولت اطلاق می‌شود.

^۲ دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،

hadi.khaniki@gmail.com

^۳ استادیار گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،

mahdizadeh45@yahoo.com

^۴ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی؛ نویسنده‌ی مسئول،

sobhan.yahyaie@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۰

تفصیلی قرار گرفت و بر مبنای آن، نمودار شماتیک تعلیل برون‌ایستادگی در قالب نمودارهای SID ترسیم و ارائه گردیده است.

نتایج حاصل از تحلیل کیفی تعاملی در مصاحبه‌های عمقی انفرادی و سه مصاحبه‌ی گروه‌کانونی، نشان می‌دهد که دستیابی به آرامش اصلی‌ترین عنصر پیامدی سیستم برون‌ایستادگی و پرهیز از ایدئولوژی، اصلی‌ترین مفهوم محرک سیستمی در میان برون‌ایستادگان است.

کلمات کلیدی:

برون‌ایستادگان، رسانه‌های دولتی، مخاطب‌شناسی، تحلیل کیفی تعاملی

۱- مقدمه

از تولد رسانه در جامعه ایران تا حضور پررنگ امروزه‌ی رسانه‌های دولتی در زندگی روزمره‌ی شهروندان، معنای ذهنی عموم شهروندان از رسانه‌ها، با قدرت و حاکمیت سیاسی پیوند خورده است. از دیگر سو، رسانه‌های دولتی اعم از رادیو و تلویزیون که بی‌واسطه به عنوان تریبون دولت- در معنای کلان دولت-ملّتی‌اش - شناخته می‌شوند و مطبوعات که تحت نظارت مستقیم دولت منتشر می‌شوند، به مخاطبان‌شان به مثابه یک واقعیت توپُر و صلب در کلیت جامعه‌ی ایران و تمامی شهروندان ایرانی می‌اندیشند.

اما در حاشیه‌ی این جریان اصلی و فربه رابطه‌ی رسانه‌های دولتی و عموم مخاطبان، می‌توان افرادی را یافت که خود را تحت فراخوانی^۱ و خطاب رسانه‌های دولتی قرار نمی‌دهند و آگاهانه و عامدانه با اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون مقاومت از مواجهه با این اقتدار دولتی رسانه‌ها گریزانند. این افراد، موضوع مطالعه‌ی این مقاله خواهند بود.

پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، در زمانی که چندان دسترسی به رسانه‌های غیر دولتی نبود و جز رادیوهای خارجی، نوارکاست و دیوانوشته‌ها و شب‌نامه‌ها کمتر می‌توان سراغی از رسانه‌ای غیر دولتی گرفت، طیف گسترده‌ای از مذهبیبون رادیو- تلویزیون دولتی را به واسطه‌ی «مغایر با دین‌انگاری» این رسانه و متون رسانه‌ای‌اش، تحریم کرده بودند و برون از مرزهای رسانه‌ی دولتی ایستاده بودند. در سال‌های پس از انقلاب نیز، همچنان بخشی از جامعه در مقام برون‌ایستادگی از نظم رسانه‌ای قرار دارند و این امر با مشاهدات و تجربیات

محقق و دیگرانی چند، سازگار است که کسانی را می‌شناسند که تلویزیون دولتی را به هیچ روی نمی‌بینند و مخاطب رسانه‌های تحت اقتدار دولت مانند مطبوعات دولتی نیز واقع نمی‌شوند و منابع ارتباطی خود را از کانال‌های غیر دولتی تأمین می‌کنند. این افراد که برون‌ایستاده از رسانه‌های دولتی هستند، محل مطالعه‌ی این مقاله خواهند بود.

۲- بیان مسئله

«برون‌ایستادگان» کسانی هستند که دست رد به سینه‌ی رسانه‌های دولتی می‌زنند و از جرگه‌ی مخاطبان این رسانه‌ها، عامدانه کناره می‌گیرند.

رویت ناپذیری و پنهان‌بودگی برون‌ایستادگان منجر به این امر شده است که در مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ها که در ایران چندان پر تعداد هم نیست، سراغی از آن‌ها در تحقیقات و مطالعات نمی‌توان گرفت و در فضای غیر دانشگاهی نیز کسی در مورد آن‌ها صحبت نمی‌کند.

این مقاله، سعی دارد که چرایی برون‌ایستادگی را مورد مطالعه قرار دهد و نگاهی علت‌یابانه به این کنش اجتماعی و رسانه‌ای برون‌ایستادگان داشته باشد.

بنابراین هر چند این مطالعه در زمره مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ای قابل تقسیم‌بندی است، اما بر خلاف سنت‌های مألوف مطالعات مخاطب‌پژوهی، سراغ «برون‌ایستادگان» یک نظم رسانه‌ای می‌رود.

۳- ضرورت و اهمیت موضوع:

انجام این مطالعه از دو منظر ضروری است. از یک سو با توجه به اینکه عموم سنت‌های مألوف مخاطب‌شناسی، به مصرف‌کنندگان رسانه‌ها می‌پردازند و عملاً برون‌ایستادگان و آن‌ها که رسانه را مصرف نمی‌کنند، از دایره این مطالعات بیرون افتاده‌اند، انجام چنین مطالعه‌ای یافته‌ها و آورده‌ها و افزوده‌های تازه‌ای را برای علم ارتباطات و مخاطب‌شناسی به دنبال خواهد داشت.

از دیگر سو، با توجه به ضرورت کارکردی شناخت غیرمخاطبان یا برون‌ایستادگان برای برنامه‌ریزی‌های جذب مخاطبان تازه می‌تواند واجد ارزش کارکردی برای رسانه‌ی ملی و یا دیگر رسانه‌های دولتی ایران باشد.

بنابراین با توجه به فقر مطالعات و تحقیقات مخاطب‌پژوهی در زبان فارسی و فقدان مطالعات بیرون از جریان اصلی سنت‌های مخاطب‌پژوهی، انجام چنین مطالعه‌ای فی نفسه اهمیت خواهد یافت.

ضرورت پرداختن به چنین موضوعی، فقدان مطالعه‌ی مخاطب‌پژوهی به زبان فارسی با رویکرد سلیبی به مخاطبان رسانه‌های رسمی و دولتی است. عموم مطالعات مخاطب‌پژوهی که از شمار چندانی هم برخوردار نیستند، به مخاطبان ایجابی پرداخته‌اند که با توجه به عدم تعیین و مرزبندی ناشی از این رویکرد، نمی‌توان انتظار دستیابی به شناخت جامعی از مخاطبان را داشت.

بنابراین شناسایی جامع‌نگر مخاطبان رسانه‌های رسمی که به تبع شناسایی برون‌ایستادگان از جامعه مخاطبان، قابل تحقق است، ضرورت و اهمیت این مقاله را روشن می‌کند.

می‌توان گفت که اهمیت موضوع این مقاله، علاوه بر گشودن دریچه‌ای تازه در مطالعات مخاطب‌پژوهی رسانه‌ای، این است که با شناسایی برون‌ایستادگان سیستم رسانه‌ای، ما را به شناخت درونی‌های سیستم رسانه‌ای و در نتیجه کلیت مخاطبان رسانه‌های رسمی رهنمون می‌سازد.

از دیگر سو، شناسایی برونی‌ها، نخستین گام در به درون کشیدن آن‌ها و تعدیل نظم رسانه‌ای رسانه‌ای است و مطالعاتی از این دست می‌توانند گام‌های جدی در این زمینه بردارند.

۴- پرسش اصلی تحقیق :

- علل کنش برون‌ایستادگی در صورت‌های مختلف آن، چیست؟

۵- تعریف مفهومی و عملیاتی برون‌ایستادگی:

در تعریف مفهومی می‌توان گفت که برون‌ایستاده **کنشگری فعال** است که عامدانه و آگاهانه خود را از درون‌شدن در میان جماعت مخاطبان، پرهیز می‌دهد. برون‌ایستاده کسی است که همواره فاصله‌ی خود را از تلویزیون دولتی حفظ می‌کند و اگرچه ممکن است بنا به تصادف و یا ضرورتی به پیام‌های رسانه‌ای رسمی، اندک توجهی بکنند، اما او همواره در آستانه در خروج از حوزه‌های خطاب تلویزیون دولتی ایستاده است. او از مواجهه با

تلویزیون دولتی امتناع می‌کند. برون‌ایستادگی، جعل مفهومی است که در این مقاله رخ داده است و هر چند می‌توان آن را دارای اشتراک مفهومی یا برخی از نظریات جامعه‌شناسان انتقادی دانست، اما ترجمه واژه‌ی معینی نیست.

برای تعریف عملیاتی هم می‌توان گفت که برون‌ایستادگان در این مقاله افرادی‌اند که در پیچه‌های ارتباطی و رسانه‌ای خود را بر روی تلویزیون دولتی بسته‌اند و آگاهانه خود را تحت فراخوانی صداوسیما ج.ا. ایران قرار نمی‌دهند. به بیان دیگر، برون‌ایستادگان کسانی هستند که عامدانه از مصرف تلویزیون دولتی امتناع می‌ورزند و پرهیز می‌کنند.

۶- پیشینه پژوهش:

اگرچه در پژوهش‌های متعدد و بی‌شماری مسئله‌ی مصرف رسانه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است (از آن جمله می‌توان به حقیقی، ۱۳۷۵ و بدیعی، ۱۳۸۲ و نیز پژوهش بدری، ۱۳۹۲ و یا برخورداری، ۱۳۹۲ اشاره کرد)، اما منبعی که مستقیماً چرایی برون‌ایستادگی و عدم مصرف رسانه را مورد پژوهش قرار دهد، در جستجوهای متعدد محقق یافت نشد.

۷- چارچوب مفهومی

با توجه به این‌که این مقاله با ترسیم منطق اکتشافی و بهره‌برداری از روش‌شناسی تحلیل کیفی تعاملی است، ناگزیر، سامان یک چارچوب نظری به عنوان مبنای تئوریک، برای این مقاله وجهی ندارد و این مقاله مبنای نظری پیشین به مفهوم متداول آن در مطالعات غیراکتشافی ندارد. بنابراین تنها به افق‌های نظری مطرح نظر در چارچوب مفهومی مقاله پرداخته خواهد شد؛

ریشه‌های نظری مفهوم برون‌ایستادگی، وام گرفته از رویکردهای جامعه‌شناختی انتقادی است. آن‌جا که آدورنو و هورکهایمر در دیالکتیک روشنگری از مرزهای یک سیستم و حاشیه‌ای‌های هر سیستم سخن می‌گویند، در واقع به مفهوم برون‌افتادگی می‌پردازند. والتربنیامین در پروژه‌ی پاساژها برای شناخت کلیت شهر به مثابه یک متن، به حاشیه‌ای‌ها و

حذف‌شدگان در شهر مدرن پاریس می‌پردازد (بنیامین، ۱۹۹۹) که قرابت مفهومی با برون‌افتادگی دارد. البته در سنت‌های جامعه‌شناسی انتقادی، بیرون‌نگی^۲ نه ناشی از انتخاب کنشگر، بلکه ناشی از جبر سیستم و مرزهای تحمیلی آن است که می‌توان از آن برون‌افتادگی تعبیر کرد. اما برون‌ایستادگی که مفهوم جعل‌شده در این مقاله است، به وضعیتی اشاره دارد که کنشگر، آگاهانه و عامدانه، بیرون‌نگی از مرز مخاطبان رسانه‌های رسمی را بر می‌گزیند. هرچند وضعیت برون‌ایستادگی و برون‌افتادگی در بسیاری از مولفه‌های دخیل، اشتراک‌های مفهومی دارند.

در مقام این رویکرد، درک حقیقی کلیت تنها به واسطه‌ی مرزها ممکن است و از آن‌جا که به گفته‌ی اسپینوزا «هر تعینی نفی است» (به نقل از فرهادپور در آگامبن، ۱۳۸۸: ۲۰)، و هر مرزی دو سویه دارد (بیرون و درون)، در نتیجه بهترین راه برای شناخت یک سیستم رفتن به سراغ نقاط بیرونی سیستم است. همان‌گونه که اشمیت در الهیات سیاسی‌اش ادعا می‌کند، «استثناء از قاعده جالب توجه‌تر است. قاعده هیچ چیزی را مشخص نمی‌کند، استثناء همه چیز را مشخص می‌کند؛ استثناء نه فقط قاعده را تایید می‌کند، بلکه قاعده خود فقط از استثناء تغذیه می‌کند» (همان: ۲۱). به تعبیر دقیق‌تر با نفی نفی سیستم، یا با نفی نقاط بیرونی (منفی) یک مجموعه، می‌توان به درک حقیقی کلیت آن دست یافت. در نتیجه بیرون همواره به درون اشاره دارد و راه حقیقی شناخت درون است.

از همین رو، حاشیه‌ای‌ها و برون‌ایستادگان قلمرو رسانه‌های رسمی، به ما در ترسیم مرزها و تعینات آن وضعیت و در یک کلام در شناخت حقیقی مخاطبان آن یاری می‌رسانند. اما می‌توان همین تحلیل را گامی به پیش برد. برون‌ایستادگان یک وضعیت، نه تنها نقاط خارجی و نفی‌کننده‌ی آن، بلکه از منظری دیگر نقاط درونی، ذاتی و برسازنده‌ی آن وضعیت هستند. در واقع یک جزء برون‌افتاده، اتفاقاً درونی‌تر از تمام اجزاء درونی است. ساده‌ترین دلیل این امر نیز در این است که یک وضعیت بدون نقاط بیرونی، بدون حذف برخی بیرون‌نگی‌ها، اصلاً نمی‌تواند مرزهای خود را ترسیم کند و به کلیت برسد. به تعبیر ژیک، «کافی نیست استثناءها را برپایه‌ی تعامل ساده‌ی بیرونی بین قواعد و موارد نامتعارفی شرح دهیم که تابع علل بیرونی/پیشامدی‌اند. پرسش ضروری این است که چرا قلمرو قواعد خود به استثناءها نیاز دارد. یعنی چرا استثنا ضرورت ساختاری دارد، چرا قلمرو قواعد بدون استثناهایی که شالوده‌ی آن قلمرو را می‌ریزند، فرومی‌پاشد؟» (ژیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

۸- روش شناسی؛ تحلیل کیفی تعاملی (IQA)

روش کیفی تعاملی از طریق مصاحبه‌ی مستقیم و اندیشیدن به صورت انباشتی، تمرکز غالب خود را بر تجربیات شرکت‌کنندگان حاضر قرار می‌دهد. نرث‌کات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۱۸) اشاره به این امر دارند که هدف تحلیل کیفی تعاملی، ایجاد پیوند میان مشابهت‌ها و ارتباط میان پدیده و معنا است. نرث‌کات و مک‌کوی (همان) در اثر خود به این نکته اشاره می‌کنند که کارکرد کلیدی تحلیل کیفی تعاملی، یافتن مجموعه داده‌ها و نقاط جدید و نیز مشارکت مستقیم شرکت‌کنندگان در فرایند ایجاد و تولید است.

پژوهش کیفی تعاملی (IQA) از طریق اعضای گروه کانونی برای مصاحبه و طبقه‌بندی و به کارگیری مجموعه داده‌هاست. در طی زمان مصاحبه و تعامل با گروه کانونی، محققان مفاهیم را شرح داده و به گروه کانونی اجازه می‌دهند تا ایده‌ها و مفاهیم خود را در رابطه با موضوع پژوهش شرح دهند. سپس از طریق تبادل نظر مداوم و روشن شدن ایده، پارامتر و فاکتور برای پژوهش بیشتر شکل می‌گیرد.

در توضیح بیشتر برای چگونگی اجرا و کاربست این روش، می‌توان گفت که در این روش محتوای نظریه‌ی شخصی افراد در طول مصاحبه‌ها بازسازی می‌شود.

ابزارهای گردآوری داده‌ها:

جمع‌آوری داده‌ها در ساختار تحلیل کیفی تعاملی به دو شیوه‌ی مصاحبه‌های عمقی انفرادی و مصاحبه‌ی گروه کانونی صورت می‌گیرد. پایه و اساس شناخت پیوندهای درونی مصاحبه‌ی گروه کانونی است ورودی مصاحبه‌های انفرادی مبنای مصاحبه‌ی گروه کانونی قرار می‌گیرد و در پایان نیز مقایسه تطبیقی بین کدگذاری‌های نظری برآمده از مصاحبه‌های گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی انفرادی صورت می‌گیرد. در هر دو شیوه جمع‌آوری داده، اصول و تکنیک‌هایی در روش IQA وجود دارد که نخست مربوط به شناسایی پیوندهای درونی و زیر عنوان آن‌ها و کشف رابطه‌ی بین آن‌ها بر مبنای نظر شرکت‌کنندگان است. سپس ترسیم جدول ارتباط بین پیوندهای درونی (ART^۳)، ترسیم نمودار ارتباطات درونی سیستم (IRD^۴) و ترسیم نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID^۵)، مراحل سه‌گانه بازنمایی بصری است که در تحلیل داده‌ها کمک به‌سزایی به محقق خواهد نمود.

۱. فاز مصاحبه‌ی عمقی فردی

در این مرحله، پیوندهای درونی شناسایی می‌شوند که برای کشف آتی معانی پیوندهای درونی در ارتباط‌های سیستمی‌شان بسیار مهم و گران‌سنگ قلمداد می‌شوند (نرث کات و مک‌کوی، ۲۰۰۴: ۴۴).

مصاحبه‌ها در این پژوهش به صورت نیمه‌ساخت‌یافته انجام می‌شود و در واقع این مصاحبه‌ها به دنبال آن هستند که مفاهیم پیوندهای درونی را شرح و گسترش دهند و به نوعی نظرات دارای انحراف از معیار را نیز شناسایی کنند.

برای هر پیوند درونی سه سؤال مطرح می‌شود که عبارتند از: این به چه معنی است؟ چه چیز منجر به این معنا می‌شود؟ نتایج این مفهوم‌چه هستند؟

از این مصاحبه‌ها، محقق می‌تواند ساختار نخستین SIDهای فردی را ترسیم می‌کند و پس از آن با شمارش گزاره‌ها و اظهارات یادداشت شده، SID ترکیبی مصاحبه‌های فردی را ارائه می‌دهد و در نهایت به مطالعه‌ی تطبیقی SID ترکیبی گروه‌ها و مصاحبه‌های فردی می‌پردازد. اهمیت مصاحبه‌های فردی در تحلیل کیفی تعاملی در این است که مؤلفه‌های سیستمی شناسایی شده در گروه‌های کانونی به شکل جزئی‌نگر و دقیق در هر مورد مطالعاتی، مورد موشکافی قرار می‌گیرند.

۲. فاز مصاحبه گروه کانونی

پس از شناسایی اهداف و پرسش‌های پژوهش و پس از ترسیم مسیر توسط محقق، نخستین مرحله‌ی جمع‌آوری داده‌ها در روش IQA مصاحبه‌ی گروه کانونی است که از خلال این مصاحبه‌ها شناسایی پیوندهای درونی^۶ در سیستم تحت مطالعه که نرث کات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۴۴) از آن تکه‌پاره‌های^۷ سیستمی نام می‌برند، بر مبنای اظهار تجربیات شرکت‌کنندگان از پدیدار مورد مطالعه صورت می‌گیرد. همچنین روابط بین این مؤلفه‌ها توسط همین گروه‌های کانونی شناسایی می‌شوند (نرث کات و مک‌کوی، ۲۰۰۴: ۴۴) و مجموعه قوانین و همبستگی‌های موجود را با الهام از نظریه سیستم‌تحلیل کیفی تعاملی، مورد استفاده قرار می‌دهد برای اینکه یک نقشه‌ی ذهنی ترسیم کند از اینکه گروه چگونه واقعیت مورد نظر را تجربه می‌کنند. بر مبنای داده‌های این اکتشافات سیستمی جدول رابطه‌های پیوندهای درونی (ART)، نمودار رابطه‌های درونی (IRD) و سپس نمودار

تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) ترسیم می‌شود و تحلیل‌ها بر مبنای این ابزارهای روشی صورت می‌گیرد.

استراتژی‌های تجزیه و تحلیل

در روش تحلیل کیفی تعاملی، از سه استراتژی تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهیم کرد؛

الف) پیوندهای درونی:

در روند تحلیل کیفی تعاملی، اجزاء معنایی یک پدیدار، پیوندهای درونی نامیده می‌شوند، که همانند تکه‌پاره‌های سیستمی و یا مؤلفه‌های فردی هستند که سیستم را ایجاد می‌کنند. پیوندهای درونی اجزائی هستند که در نقشه‌های ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرند که خود نمایش سیستم تصویری از ترکیب تجربیات زندگی است.

پیوندهای درونی که توسط گروه‌ها شناسایی شده‌اند، جهت اسلوب‌گذاری مصاحبه‌های فردی که دارای ارزش بیشتری برای تشریح معانی پیوندهای درونی و روابط سیستماتیک‌شان هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرند (نورث کات و مک کوی، ۲۰۰۴: ۴۴). می‌توان گفت که پیوندهای درونی در واقع دسته بندی معنایی هر سیستم و یا مجموعه‌ی سیستم‌ها را نشان می‌دهد که خود تجربیات گروه‌ها از یک پدیدار است (نورث کات و مک کوی، ۲۰۰۴: ۴۴).

بر مبنای داده‌های به دست آمده در شناسایی پیوندهای درونی، ترسیم جدول ارتباط بین پیوندهای درونی (ART) صورت می‌گیرد.

ب) نمودار روابط درونی (IRD)

پس از مشخص نمودن پیوندهای درونی، گام بعدی کدگذاری نظری روابط بین پیوندهای درونی است که پس از طرح در مصاحبه‌های گروه کانونی می‌توان به ترسیم نمودار روابط درونی، که توصیف دیداری روابط پیوندهای درونی است، اقدام نمود. در نمودار IRD مثالی که در ادامه آمده است، ربط دو مؤلفه‌ی پیوند درونی با فلش نمایندگی می‌شود و چنان‌که نرت کات و مک کوی می‌گویند (۲۰۰۴: ۱۷۰): فلش در IRD برای نشان دادن رابطه بین دو مؤلفه است که بر خلاف سیستم دفترداری - مانند برنامه‌های حسابداری دابل - سه‌بار تکرار می‌شود و این‌که N2 N1 در نمودار نمایش داده

شود، نشان می‌دهد که مؤلفه‌ی N2 بر مؤلفه‌ی N1 تأثیرگذار است و به نوعی می‌تواند ریشه‌ی دلالتی N1، مؤلفه‌ی N2 باشد.

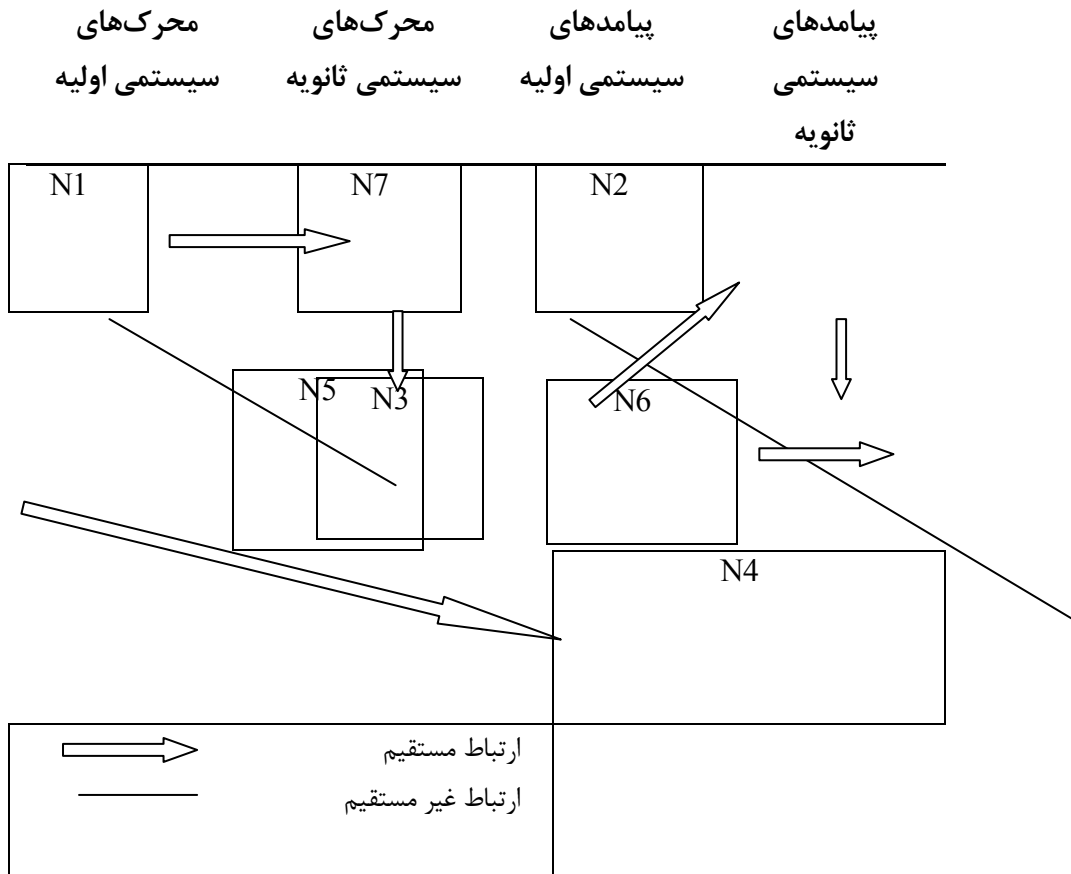
در نمودار IRD فلش‌های سمت چپ، ورودی‌های سیستم و فلش‌های رو به بالا، خروجی‌های سیستم خوانش می‌شوند. تفریق مجموع تعداد خروجی‌های سیستم از ورودی‌های سیستم، دلتای سیستم را نشان می‌دهد که در صورتی که این عدد، عددی مثبت باشد و خروجی‌ها بیش از ورودی‌ها باشد، آن عدد محرک سیستمی خوانش می‌شود و در صورتی که تعداد ورودی‌ها بیش از تعداد خروجی‌ها باشد و دلتای سیستم منفی شود، به این عدد پیامد سیستمی گفته می‌شود (نرث‌کات و مک‌کوی، ۲۰۰۴: ۱۷۳). در واقع این عدد میزان اثر گذاری مؤلفه را در کلیت سیستم نشان می‌دهد و فهم آن در خوانش مبتنی بر واقعیات سیستمی سهم بسزایی خواهد داشت. اگر پیوندهای درونی سیستم را از N1 تا N7 فرض کنیم و ارتباط هفت عامل سیستمی را به طور فرض با توجه به تعامل متنی مصاحبه‌ها به شکل زیر در نمودار IRD در نظر بگیریم، می‌توانیم نمودار SID منتج از آن را در ادامه مشاهده کنیم؛

	N1	N2	N3	N4	N5	N6	N7	OUT	IN	△	نشانه‌گر
N1	○	↑	↑	↑	↑	↑	↑	6	0	6	محرک
N2	←	○	↑		←	↑	←	2	3	-	پیامد
										1	
N3	←	←	○		←	←	←	0	5	-	پیامد
										5	
N4	←			○	←		←	0	3	-	پیامد
										3	
N5	←	↑	↑	↑	○		←	3	2	1	محرک
N6	←	←	↑			○	←	1	3	-	پیامد
										2	
N7	←	↑	↑	↑	↑	↑	○	5	1	4	محرک

شکل شماره ۱- نمونه‌ی نمودار IRD

پ) بازنمایی سیستم: ترسیم نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID) در آخرین فاز تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ی گروه کانونی و مصاحبه‌های عمقی، چکیده‌ی نتایج به دست آمده از اثرگذاری‌های سیستمی در نمودار SID ترسیم می‌شود. برای ترسیم این نمودار نخست محرک‌های سیستم را در یک سمت و پیامدهای سیستم را در سمت دیگری در قالب جعبه‌های پیوندهای درونی قرار می‌دهیم. مرحله بعدی پس از چینش مناسب این جعبه مؤلفه‌های پیوند درونی، نشان دادن ارتباط بین آن‌ها به وسیله‌ی خطوط نمایانگر ارتباط است که این خطوط می‌توانند به دو دسته نمایای ارتباط مستقیم و نمایای ارتباط غیر مستقیم تقسیم شوند. نرث کات و مک کوی (۲۰۰۴: ۱۷۶) متذکر می‌شوند که «در صورتی که آشفتگی و به هم ریختگی در شاخه‌های نمودار SID وجود داشته باشد، حتی اگر کاملاً جامع و غنی باشد می‌تواند حتی برای تعداد اندک مؤلفه‌های پیوند درونی مشکل تفسیر و خوانش نموداری فراهم آورد».

در واقع نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی در گام نخست برای شناسایی و بازنمایی ارتباط بین مؤلفه‌هایی است که در مصاحبه‌ی گروه کانونی به عنوان پیوندهای درونی سیستمی شناسایی شده‌اند. در ادامه نمودار مثالی SID بر مبنای داده‌های نمودار پیشین IRD که از هفت مؤلفه‌ی پیوند درونی N1...N7 تشکیل شده بود، ترسیم شده است و می‌توان چگونگی ترسیم نقشه ذهنی را در این نمونه مشاهده کرد؛



استنتاج و تحلیل

چنان‌که نرت‌کات و مک‌کوی (۲۰۰۴: ۴۵) می‌گویند گزارش نهایی به محقق این امکان را می‌دهد که پیوندهای درونی و روابط بین آن‌ها را در جهت نگاه تطبیقی بین سیستم و افراد توصیف کند و استنتاجش را بر مبنای ویژگی‌های سیستم یا سیستم‌ها ارائه دهد. گزارش نهایی در تحلیل کیفی تعاملی، سه هدف را دنبال می‌کند که عبارتند از: (۱) شناسایی و نام‌بردن مؤلفه‌های موجود در سیستم (۲) شرح و توضیح روابط بین مؤلفه‌های سیستم و پویایی سیستم و (۳) مقایسه‌ی سیستم‌ها با یکدیگر.

شالوده و بنیان گزارش نهایی در واقع تقریباً به طور کامل برگرفته از گفتارهای بیان شده توسط شرکت کنندگان است. رابطه دیالکتیک بین منظر گروه‌ها و افراد نیز از طریق مطالعه‌ی تطبیقی در حوزه‌ی مطالعاتی به دست می‌آید. در واقع در مرحله‌ی گزارش پایانی. داده‌هایی را که در مصاحبه‌ی گروه کانونی به دست آمده را با داده‌هایی که در مصاحبه‌های انفرادی به دست آمده است را به شکل تطبیقی در کنار یکدیگر بررسی می‌کنیم و از غربال این مطالعه‌ی تطبیقی دریافت‌ها نهایی محققان و دسته‌بندی آنان از مؤلفه‌های اولویت‌دار سیستمی مطرح می‌شود تا توصیفی جزئی‌نگر را نسبت به حوزه‌ی تحت مطالعه ارائه کنیم.

۹- انتخاب نمونه؛ نمونه‌گیری تئوریک یا مبتنی بر هدف

در این پژوهش، از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به صورت همزمان استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (دیوی و گیلتن، ۲۰۰۵)

نمونه‌گیری نظری عبارت است از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها (محمدپور، ۱۳۹۱: ۳۲۵). این نوع نمونه‌گیری روشی است برای گردآوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها بر مبنای تم‌ها و مقوله‌های برگرفته از داده‌ها.

در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار کفایت نظری تعیین می‌کنند، بدین معنا که زمانی که محقق به این نتیجه برسد که انجام بیشتر مصاحبه و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت، محقق گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کند (گابریوم و هولشتین، ۲۰۰۱: ۱۹۷).

کفایت نظری

معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، «کفایت نظری» مقوله-ها یا نظریه است. کفایت نظری مرحله‌ای است که جمع‌آوری هرگونه داده کمکی به افزایش ویژگی‌ها و غنایک مقوله نکند. به عبارت دیگر هیچ داده‌ی بیشتریافت نمی‌شود که

پژوهشگر به وسیله آن بتواند مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را به دفعات مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است...» (پرایس، ۲۰۱۰: ۴۱۶).

فرآیند تحقق کفایت نظری در این مقاله، با ذکر کامل تعداد کدهای باز، مفاهیم و نیز مقولات ظهور یافته و اصلاح شده در جریان کدگذاری مصاحبه‌ها ارائه شده است.

ساختار سؤالات اصلی مصاحبه‌های عمقی انفرادی برون‌ایستادگان

۱. چه شد که تصمیم گرفتید دیگر صدا و سیما را نبینید (یا مطبوعات دولتی را نخوانید)؟
۲. در این تصمیم بیشتر دنبال چه چیزی بودید؟
۳. آیا شما در این تصمیم تنهایی یا دوستانتان و یا اعضای خانواده‌و بستگان‌تان هم در این تصمیم با شما همراهند؟ (کسانی که تصمیم مشابهی در اطراف شما گرفته‌اند، چطور به این تصمیم رسیده‌اند؟)
۴. ندیدن تلویزیون دولتی در زندگی روزمره‌تان باعث احساس فقدان یا برتری هم شده است؟
۵. ندیدن تلویزیون دولتی، برای شما چه نتیجه‌ای داشته است؟
۶. در مواجهه با تلویزیون یا رسانه‌های دولتی در محیط‌هایی که متعلق به خودتان نیست، چه احساسی دارید؟ (نوستالژی، خشم و نفرت، دلسوزی، تأسف، و ...)
۷. کانال‌های کسب اطلاعات و اخبار شما چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه شما از آن‌ها استفاده می‌کنید؟

۱۰- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در هر مصاحبه، مفاهیم تعلیلی که ناظر به چرایی کنش برون‌ایستادگی در فرد بودند، مورد شناسایی قرار گرفتند و مصاحبه‌هایی که پس از آن انجام می‌شدند به تکمیل مفاهیم برآمده از مصاحبه‌های پیشین و نیز شناسایی مفاهیم جدید کمک می‌کردند. با توجه به اینکه گزارش تعلیلی و ترسیم نمودارهای ۲۹ مصاحبه‌ی عمقی انفرادی، عملاً در چارچوب این مقاله ممکن نیست، در این مرحله به ذکر مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها و چگونگی تحقق کفایت نظری در مفاهیم شناسایی شده، بسنده می‌کنیم و در مرحله‌ی مصاحبه‌ی گروه کانونی، نمودارهای تحلیل کیفی تعاملی را که برآیند یک گونه‌ی برون‌ایستادگی هستند، ترسیم و گزارش خواهیم کرد. افراد مصاحبه شونده به ترتیب الفبای انگلیسی نام گذاری شدند و فرایند شناسایی مفاهیم چنان که در جدول زیر آمده است، منجر به شکل‌گیری و تکمیل مفاهیم تعلیلی مورد پرسش این مقاله شد.

جدول شماره ۱: فرآیند ظهور مفاهیم و مقولات تا مرز کفایت نظری

اصلاح مفاهیم قبلی	ظهور مفاهیم جدید	تعداد مفاهیم	تعداد کدهای باز	
-	24	24	22	A
7	15	24	23	B
5	5	18	15	C
4	8	29	30	D
5	7	27	26	E
4	2	19	17	F
4	5	26	26	G
2	2	15	14	H
2	5	19	19	I
3	3	24	26	J
1	7	37	41	K
-	3	13	15	L
2	6	15	16	M
2	4	21	23	N
3	5	22	24	O
1	2	17	17	P
-	1	19	18	Q
1	1	17	19	R

-	.	14	16	S
1	2	19	20	T
-	2	17	18	U
-	1	18	19	V
-	-	18	18	W
-	-	21	23	X
-	-	37	39	Y
-	-	39	44	Z
-	-	33	38	AA
-	-	24	26	BB
-	-	22	25	CC
				جمع

۱-۱۰- شناسایی مفاهیم تعلیلی اصلی

جدول شماره ۲- شناسایی مفاهیم تعلیلی برون ایستادگی

مفاهیم تعلیلی برون ایستادگی برآمده از مصاحبه‌های عمقی انفرادی	
۱. آزادی انتخاب در رسانه‌های بدیل	۲. ناسالم بودن اخلاقی رسانه‌ی دولتی
۳. شعارزدگی و بی‌محتوایی	۴. توهین به مخاطب و احمق‌پنداری مخاطبان
۵. سوگیری رسانه ملی؛ از خبر تا سایر محتواها	۶. پرهیز از ائتلاف وقت
۷. ابتذال محتوا	۸. نابسندگی اخبار دولتی
۹. دروغین بودن اخبار و محتوا	۱۰. جعلی بودن محتوای رسانه‌ی دولتی
۱۱. عادت رسانه‌ای	۱۲. جستجوی آرامش
۱۳. جذابیت رسانه‌های بدیل	۱۴. محتوای فقیر تلویزیون دولتی

۱۶. مراقبت از ذهن	۱۵. احساس خشم و نفرت
۱۸. میل به گریز از مواجهه	۱۷. نارضایتی از سانسور
۲۰. تعارض و دوگانگی منتج از صدا و سیما	۱۹. ایدئولوژیک بودن رسانه‌ی دولتی
۲۲. بی اعتمادی به رسانه‌ی دولتی	۲۱. برون ایستادگی به مثابه پرستیژ اجتماعی
۲۴. محتوای عموم رسانه‌ها در خدمت سیاست	۲۳. ناراحتی و تأسف از وضعیت رسانه‌ی دولتی
۲۶. اعتمادسازی بدیل‌ها	۲۵. سرخوردگی انتظار سرگرم‌سازی با کیفیت
۲۸. خاطرات تلخ فراموش ناشدنی	۲۷. احساس گناه و وجدان معذب در صورت مصرف رسانه‌ی دولتی
۳۰. میل به بی‌خبری	۲۹. خودآگاهی و احترام به خود
۳۲. ناسالم بودن اخلاقی رسانه‌ی دولتی	۳۱. مقاومت در برابر ایدئولوژی حاکم
۳۴. ابتدال محتوا	۳۳. شعارزدگی و بی‌محتوایی
۳۶. دروغین بودن اخبار و محتوا	۳۵. نابسندگی اخبار دولتی
۳۸. محتوای فقیر تلویزیون دولتی	۳۷. جعلی بودن محتوای رسانه‌ی دولتی
۴۰. سرخوردگی انتظار سرگرم‌سازی با کیفیت	۳۹. نارضایتی از سانسور
۴۲. تعارض و دوگانگی منتج از صدا و سیما	۴۱. ایدئولوژیک بودن رسانه‌ی دولتی
۴۴. محتوای عموم رسانه‌ها در خدمت سیاست	۴۳. سوگیری رسانه ملی؛ از خبر تا سایر محتواها
۴۶. خودآگاهی و احترام به خود	۴۵. میل به بی‌خبری

۴۸. احساس گناه و وجدان معذب در صورت مصرف رسانه‌ی دولتی	۴۷. خاطرات تلخ فراموش ناشدنی
۵۰. بی اعتمادی به رسانه‌ی دولتی	۴۹. مقاومت در برابر ایدئولوژی حاکم
۵۲. جستجوگری واقعیت	۵۱. احساس خشم و نفرت
۵۴. جذابیت رسانه‌های بدیل	۵۳. آزادی انتخاب در رسانه‌های بدیل
	۵۵. اعتمادسازی بدیل‌ها

۱۰-۲- شناسایی گونه‌های برون‌ایستادگی با علل متفاوت از مصاحبه‌های انفرادی: برون‌ایستادگان مورد مطالعه‌ی این مقاله، یکدست و از یک گونه نبودند. بر مبنای علل ارائه شده از مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌های عمقی انفرادی، سه گونه‌ی برون‌ایستادگی با منظرهای متفاوت تعلیلی مورد شناسایی قرار گرفتند. اگر چه حتی می‌توان ادعا کرد که هر یک از افراد مطالعه، ویژگی‌ها، تجربیات و ادراکاتی متفاوت از دیگری داشتند، اما با هزینه‌ی ساده‌سازی، می‌توان در نمونه‌های مورد مطالعه، سه‌گونه‌ی برون‌ایستادگی غالب را به شرح زیر مورد شناسایی قرار داد؛

• برون‌ایستادگی مقاومت و اعتراض

این برون‌ایستادگان با نقطه عزیمت سیاسی و ایدئولوژیک، رسانه‌های دولتی را از سبد مصرف رسانه‌ای خود حذف کرده‌اند و عمل برون‌ایستادگی ناشی از نوعی خشونت پنهان در مواجهه با رسانه‌ی دولتی و به ویژه تلویزیون است. تعریف صداوسیما به عنوان محصول سیاسی حاکمیت و تعریف مفاهیمی چون اصل رضایت حاکمیت، سوگیری، تعارض با جامعه، ایدئولوژیک بودن، فاصله‌گذاری با جامعه، سازه‌ای تنومند را از رسانه‌ی دولتی در ذهن این دسته از برون‌ایستادگان ساخته است که تنها موجب خشم و نفرت آنان در مواجهه است.

استراتژی گسست از سوی برون ایستاده و استراتژی فاصله گذاری از سوی رسانه‌ی دولتی عملاً منجر به شکاف عمیقی بین این دسته از برون‌ایستادگان با رسانه‌های دولتی و صداوسیما شده است.

مخالفت سیاسی که در مصاحبه‌های متعدد این مقاله تکرار شد، بخشی از هویت‌یابی و شکل‌گیری «ما» و «دیگری» رسانه‌ای است. اگر چه، این فاصله‌گذاری در گونه‌های دیگر برون‌ایستادگی نیز حضوری مشهود دارد، اما در برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت با بعد و شدت بیشتری از این فاصله روبرویم.

• برون‌ایستادگی سرگرمی خواه ناراضی

برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی، کسانی هستند که به ادراکی از «بی‌مایگی رسانه‌ی دولتی» رسیده‌اند و در فضای تکثر رسانه‌ای و انتخاب‌گری حاکم بر فضای مجازی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، جایگزین‌های دیگری را برای تأمین نیازهای رسانه‌ای خود - که عموماً بر محور سرگرمی می‌چرخد - پیدا کرده‌اند. کنش برون‌ایستادگی آن‌ها علاوه بر موضعی که نسبت به محتوای متون سرگرمی رسانه‌ی دولتی پیدا کرده‌اند و آن را جعلی و غیر واقعی می‌دانند، به شکل تلویحی و ضمنی، متضمن نوعی ایده‌ی سیاسی است.

آن‌ها از نوعی سیاست‌زدگی در تلویزیون دولتی سخن می‌گویند که دامن برنامه‌های سرگرمی و حتی برنامه‌های کودکان را گرفته است و آن به تعبیری «محتوای پاک و خالص سرگرمی» را آغشته به نوعی سیاست‌زدگی ملموس می‌کند که بیننده‌ی غیرسیاسی از آن پرهیز می‌کند و تاب نمی‌آورد.

در مصاحبه‌های انجام شده نیز به کرات شاهد آن بوده‌ایم که آن‌ها از سانسور فیلم‌ها و سریال‌ها سخن می‌گویند و از حکمرانی دروغ و تزویر بر رسانه‌ی دولتی.

این برون‌ایستادگان اگر چه «میل به بی‌خبری» دارند و پیگیر اخبار سیاسی روز نیستند و نسبت به وقایع و رویدادهای سیاسی موضع «بی‌تفاوتی» را اتخاذ می‌کنند، اما دچار بی‌اعتمادی مفرط با اخبار رسانه‌های دولتی هستند.

• برون‌ایستادگان ابتدال

برون‌ایستادگانی که عموماً به صورت تدریجی و گاه در مقایسه با دیگر رسانه‌ها و نیل به ادراک بینارسانه‌ای محتوای رسانه‌های دولتی را فقیر و کم‌مایه دانسته‌اند و وقتی که به مصرف رسانه اختصاص داده‌اند، را گران یافته‌اند و موجب خسران، برون‌ایستادگان ابتدال‌اند.

در مواردی از نمونه‌های مطالعاتی این مقاله، می‌توان از تجربه‌ی نوعی «تقوا و پرهیز رسانه‌ای» نیز سخن گفت که میل به ابتدال رسانه و متن رسانه‌ای را بر نمی‌تابد. آن‌ها بر «مراقبت از ذهن» و ممانعت از مواجهه به هر متن رسانه‌ای که آن را سطحی، عوامانه، مبتذل، بی‌مایه می‌دانند

این برون‌ایستادگان از شعارزدگی و بی‌محتوایی و توخالی بودن رسانه‌های دولتی گریزان‌اند. این‌ها اگر چه در انتخاب‌های جایگزین رسانه‌ای شان نیز عموماً احساس رضایت تام نمی‌کنند، اما کنش مرجح‌شان ترک رسانه‌ی دولتی داخلی و رجوع به دیگر رسانه‌های متکثر جهانی است.

۱۰-۳- گزارش اجرای مصاحبه‌های گروه‌کانونی

پس از انجام مصاحبه‌های عمقی انفرادی، با تفکیک گونه‌های برون‌ایستادگی شناسایی شده، از شرکت‌کنندگان در گونه‌های همسان برون‌ایستادگی در قالب یک گروه با تجمیع افراد وفادار به الگوی همسان، گروه‌های کانونی شکل داده شدند و از اعضای گروه‌ها خواسته شد که در نسبت با مفاهیم شناسایی شده به عنوان پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی‌شان اعلام نظر کنند و از میان آن‌ها انتخاب کنند در صورت نیاز به آن‌ها مواردی را بیافزایند و یا جرح و تعدیل کنند.

در این فرایند پیوندهای درونی شناسایی شده توسط گروه کانونی، توسط خود اعضا مجدداً مورد داوری قرار گرفته است. بنابراین محقق از این طریق می‌تواند به شناسایی پیوندهای درونی اقدام کند و نیز جدول تأثیرگذاری‌های سیستمی را ترسیم نماید. مرحله‌کدگذاری و نام‌گذاری مفاهیم پیوندهای درونی نیز در همین مرحله انجام شد. تعاریف پیوندهای درونی عمدتاً مفهومی هستند و برای ارائه نمودارهای روابط پیوندهای درونی، ناگزیریم که به هر مفهومی نامی را اختصاص دهیم. این فرایند در هر سه مصاحبه گروه کانونی تا نیل به یک مدل تعلیلی ادامه خواهد یافت.

۱۰-۳-۱- اجرای مصاحبه‌ی گروه کانونی برون ایستادگان اعتراض / مقاومت

شناسایی پیوندهای درونی:

چنان که ذکر شد، در ابتدای مصاحبه‌ی گروه کانونی مفاهیم تعلیلی شناسایی شده در خلال مصاحبه‌های پایه‌ی نظریه داده بنیاد، با اعضا در میان گذاشته شد و اعضا در انتخاب مفاهیم و یا طرح مقولات جدید و ساختن مفاهیمی تازه آزاد بودند. از میان مفاهیم طرح شده و بحث‌های در گذشته در مصاحبه‌ی گروه کانونی مفاهیمی که مورد اتفاق و اجماع نظر اعضا بودند، به عنوان پیوندهای درونی سیستم برون ایستادگی شان، مورد شناسایی قرار گرفتند و تحلیل کیفی تعاملی بر پایه‌ی آن در هر گروه برون ایستادگی بنا شد. نام‌های پیوندهای درونی در سیستم تحت مطالعه و مفاهیم مد نظر هر پیوند، با توجه به نظرات اعتباری اعضای گروه کانونی به قرار زیر شناسایی شده‌اند و در جدول آمده است:

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
آرامش	پرهیز از تنش‌های عصبی و روانی
پرهیز از ایدئولوژی حاکم	گریز از سیاست و جهان بینی حاکمیت آشکار شده در رسانه‌ی دولتی
گریز از ابتذال	اجتناب از محتوای نازل و بی‌مایه
گریز از دروغ	پرهیز از محتوای جعلی و غیر واقعی
وجدان معذب	احساس گناه و ناخوشایندی از خود به دلیل عدم وفاداری به عقیده
احساس خشم	عصبیت از متون رسانه‌ی دولتی
اعتراض	اعتراض به جامعه و حاکمیت
آزادی	اختیار گریز از محدودیت‌ها و بهره مندی از تکرر و حق انتخاب بدیل‌ها
جذابیت بدیل‌ها	جستجوی معطوف به نتیجه نیاز رسانه‌ای در رسانه‌های جایگزین
احترام به خود	بالا تر دانستن شأن خود از مواجهه با رسانه‌ی دولتی / فردیت برجسته

ترسیم گرافیکی داده‌ها

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، در تحلیل کیفی تعاملی، پس از شناسایی پیوندهای درونی، روابط این پیوندها بر اساس نظر اعضای گروه کانونی مورد شناسایی قرار می‌گیرد و سه نمودار ART و IRD و SID بر مبنای شناسایی این روابط از سوی اعضای گروه کانونی ترسیم

می‌شوند که شالوده‌ی اصلی تحلیل را شکل می‌دهند. در ادامه بر مبنای نظرات اعضای گروه کانونی، چهار نمودار یاد شده در گونه‌های برون‌ایستادگی، تحت مطالعه خواهد آمد؛

الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART) برون ایستادگان اعتراض - مقاومت

فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فرآوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۵	احترام به خود گریز از ابتذال	۶	پرهیز از ایدئولوژی آرامش
	وجدان معذب گریز از دروغ	۵	گریز از ابتذال آرامش
	احساس خشم گریز از دروغ	۷	گریز از دروغ آرامش
۳	اعتراض گریز از دروغ		وجدان معذب آرامش
۴	آزادی گریز از دروغ		احساس خشم آرامش
	جذابیت بدیل‌ها گریز از دروغ		اعتراض آرامش
۵	احترام به خود گریز از دروغ	۴	آرامش آزادی آرامش
	احساس خشم وجدان معذب		جذابیت بدیل‌ها آرامش
	اعتراض وجدان معذب	۴	احترام به خود آرامش
	آزادی وجدان معذب		پرهیز از ایدئولوژی گریز از ابتذال
	جذابیت بدیل‌ها وجدان معذب	۳	پرهیز از ایدئولوژی گریز از دروغ
۳	احترام به خود وجدان معذب		وجدان معذب پرهیز از ایدئولوژی
۷	اعتراض احساس خشم		پرهیز از ایدئولوژی احساس خشم
	آزادی احساس خشم		پرهیز از ایدئولوژی اعتراض
	جذابیت بدیل‌ها احساس خشم	۴	پرهیز از ایدئولوژی آزادی
	احترام به خود احساس خشم		پرهیز از ایدئولوژی جذابیت بدیل‌ها
۴	آزادی اعتراض	۴	پرهیز از ایدئولوژی احترام به خود

	اعتراض \diamond جذابیت بدیلها		گریز از ابتذال \diamond گریز از دروغ
۳	اعتراض \rightarrow احترام به خود		گریز از ابتذال \diamond وجدان معذب
۵	جذابیت بدیلها \rightarrow آزادی		گریز از ابتذال \diamond احساس خشم
	اعتراض \diamond احترام به خود		گریز از ابتذال \diamond اعتراض
	جذابیت بدیلها \diamond احترام به خود		گریز از ابتذال \diamond آزادی
		۳	گریز از ابتذال \rightarrow جذابیت بدیلها

ب) نمودار روابط درونی سیستم برون ایستادگی اعتراض - مقاومت (IRD)
 در تحلیل کیفی تعاملی سیستم برون ایستادگی اعتراض - مقاومت، پس از شناسایی و ترسیم جدول روابط پیوندهای درونی، نمودار IRD سیستمی برای شناسایی محرکها و پیامدهای

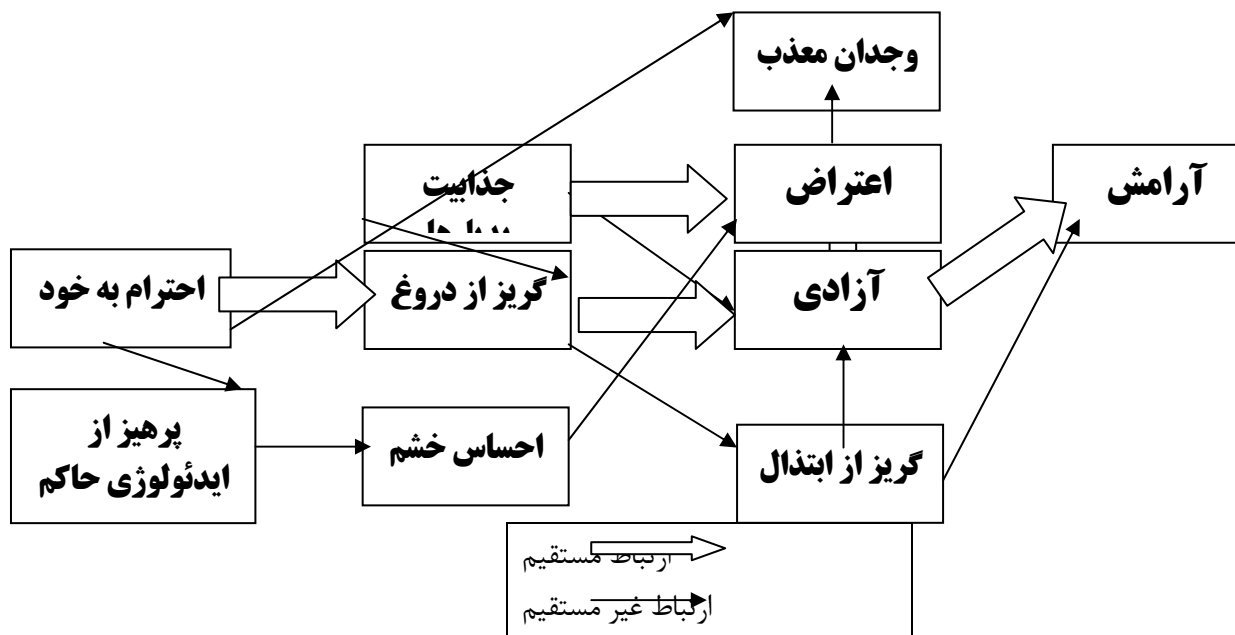
سیستمی ترسیم می شود؛

نشانهگر	دلتا	ورودی	خروجی	احترام به خود	جذابیت بدیلها	آزادی	اعتراض	احساس خشم	وجدان معذب	گریز از دروغ	گریز از ابتذال	پرهیز از ایدئولوژی حاکم	آرامش	
پیامد	-۵	۵	۰	\rightarrow		\rightarrow				\rightarrow	\rightarrow	\rightarrow	\diamond	آرامش
محرک	۲	۱	۳	\rightarrow		\uparrow				\uparrow		\diamond	\uparrow	پرهیز از ایدئولوژی حاکم
پیامد	-۱	۲	۱	\rightarrow	\rightarrow						\diamond		\uparrow	گریز از ابتذال
محرک	۱	۲	۳	\rightarrow		\uparrow	\uparrow			\diamond		\rightarrow	\uparrow	گریز از دروغ
پیامد	-۱	۱	۰	\rightarrow							\diamond			وجدان معذب
محرک	۱	۰	۱				\uparrow	\diamond						احساس خشم

پیامد	-۲	۳	۱	→	↑	◇	→	→	→	→	→	→	اعتراض
پیامد	-۲	۳	۱		◇	→		→	→	→	→	↑	آزادی
محرك	۱	۰	۱		◇						↑		جذابیت بدیل‌ها
محرك	۶	۰	۶	◇		↑		↑	↑	↑	↑	↑	احترام به خود

پ) نمودار تأثیر گذاری‌های سیستمی (SID) برون ایستادگان اعتراض – مقاومت

پیامدهای سیستمی ثانویه پیامدهای سیستمی اولیه محرک‌های سیستمی ثانویه محرک‌های سیستمی اولیه



در خوانش نمودار SID باید در نظر داشت که عوامل محرک اولیه از نقش بالای تعلیلی در سیستم برخوردارند. مولفه‌ی «احترام به خود» با ایفای نقش محور در برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت، با نشان دادن برجستگی فردیت در عوامل محرک این سیستم اجتماعی، انگاره‌ی بالاتر بودن شأن برون‌ایستاده از مواجهه با رسانه‌ی دولتی، به انضمام پرهیز از ایدئولوژی حاکم، از خلال مولفه‌های میانی و با طی مراحل اعتراض با هدف نیل به آزادی، در نهایت پیامد سیاسی آرامش را دنبال می‌کند که خود مولفه‌ی مهمی در این تحلیل تعلیلی است. آرامش به عنوان نقطه‌ی کانونی پیامد برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت، حکایت از ناآرامی در وضعیت موجود رسانه‌ای دارد و با توجه به نقطه‌ی عزیمت سیاسی و ایدئولوژیک این گونه از برون‌ایستادگان، می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌ی دولتی، برساننده‌ی ناآرامی سیاسی و ایدئولوژیک برای این گونه از برون‌ایستادگان است.

۱۰-۳-۲- اجرای مصاحبه‌ی گروه کانونی برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی

شناسایی پیوندهای درونی؛

چنان که تشریح شد در پیاده‌سازی مصاحبه‌های گروه کانونی این گونه نیز با توجه به طی فرایند مصاحبه‌های عمقی انفرادی در مرحله «نظریه داده‌بنیاد»، در این مرحله مفاهیم تعلیلی با گروه کانونی در میان گذاشته شد و پس از اعمال نظر آن‌ها به صورت جرح و تعدیل شده به عنوان پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، مورد شناسایی قرار گرفتند. در این گروه کانونی، با اعضای گروه، پیوندهای درونی که اعضای گروه به وجود آن‌ها به عنوان یک علت سیستمی اذعان داشتند موارد زیر بوده‌اند که هر یک با توجه به مفهوم‌شان توسط اعضای گروه کانونی، نام گذاری شده‌اند؛

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
آزادی انتخاب در بدیل‌ها	تأمین نیازهای متکثر سرگرمی در رسانه‌های دیگر
بی‌مایه‌گی رسانه دولتی	بی‌محتوایی، تکراری بودن و توخالی بودن رسانه‌ی دولتی
دستکاری واقعیت	عدم صراحت محتوا و سانسور فیلم و سریال و خبر
بی‌تفاوتی	بی‌اعتنایی به وضعیت رسانه‌های دولتی و جامعه
ناراضایتی از جامعه	مقصر دانستن جامعه و ابراز ناخرسندی از وضعیت اجتماعی

عدم تأمین سرگرمی	بی توجهی به نیاز سرگرمی شهروندان
سیاسی و ایدئولوژیک بودن	سیاست زده بودن تلویزیون در متون تلویزیونی سرگرمی

ترسیم گرافیکی داده‌ها

چنان که در گونه‌ی برون‌ایستادگان اعتراض - مقاومت شناسایی شد، در مرحله‌ی دیگر اجرای تحلیل کیفی تعاملی، برای تحلیل داده‌های مصاحبه‌ی گروه کانونی برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی، ترسیم دیداری داده‌ها با توجه به نظرات شرکت‌کنندگان در گروه کانونی و در نتیجه استنتاج محقق‌ریال پیش‌برنده‌ی مطالعه خواهد بود. در این مرحله ابتدا از شرکت‌کنندگان خواسته شد که روابط بین پیوندهای درونی را در سیستم پوششان شناسایی کنند. در هر مورد فراوانی موافقان با رابطه‌ی بین پیوندهای درونی مورد شمارش قرار گرفته که نمایشگر میزان قدرت این رابطه‌ها در نظر شرکت‌کنندگان گروه کانونی است. در ادامه سه نمودار دیداری IQA خواهد آمد که مبنای تحلیل کیفی تعاملی در این مصاحبه‌ی گروه کانونی خواهد بود؛

الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART) برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی

فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۳	بی تفاوتی ← دستکاری واقعیت		بی‌مایگی رسانه دولتی ◇ آزادی انتخاب بدیل‌ها
۴	نارضایتی از جامعه ← دستکاری واقعیت		◇ دستکاری واقعیت آزادی انتخاب بدیل‌ها
۳	عدم تأمین سرگرمی ← دستکاری واقعیت	۳	بی تفاوتی ← آزادی انتخاب بدیل‌ها
۴	سیاسی و ایدئولوژیک بودن → دستکاری واقعیت	۴	← نارضایتی از جامعه آزادی انتخاب بدیل‌ها
۴	نارضایتی از جامعه → بی تفاوتی		◇ عدم تأمین سرگرمی آزادی انتخاب بدیل‌ها
۳	عدم تأمین سرگرمی → بی تفاوتی		◇ سیاسی و ایدئولوژیک بودن آزادی انتخاب بدیل‌ها
	بی تفاوتی ◇ سیاسی و ایدئولوژیک بودن	۵	→ دستکاری بی‌مایگی رسانه دولتی
۳	نارضایتی از جامعه → عدم تأمین سرگرمی	۴	← بی تفاوتی بی‌مایگی رسانه دولتی
۴	نارضایتی از جامعه → سیاسی و ایدئولوژیک بودن	۴	← نارضایتی از جامعه بی‌مایگی رسانه دولتی
۳	عدم تأمین سرگرمی → سیاسی و ایدئولوژیک بودن	۶	← عدم تأمین سرگرمی بی‌مایگی رسانه دولتی

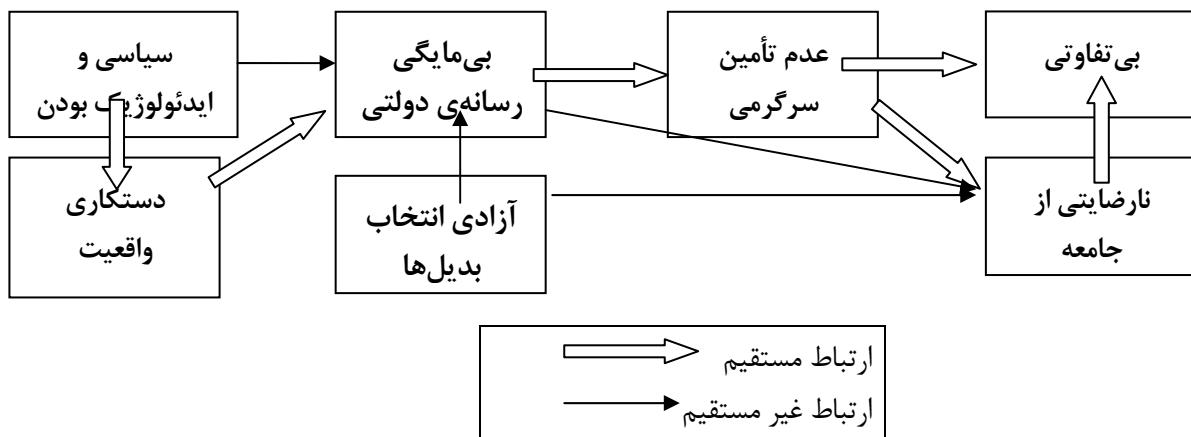
	۴	بی‌مایگی رسانه دولتی → سیاسی و ایدئولوژیک بودن
--	---	--

(ب) نمودار روابط درونی سیستم برون‌ایستادگان سرگرمی خواه ناراضی (IRD)

نشانه	دلتا	ورودی	خروجی	سیاسی و ایدئولوژیک بودن	عدم تأمین سرگرمی	ناراضی از جامعه	بی‌تفاوتی	دستکاری واقعیت	بی‌مایگی رسانه دولتی	آزادی انتخاب بدیل‌ها	
محرك	۲	۰	۲			↑	↑			◇	آزادی انتخاب بدیل‌ها
محرك	۱	۲	۳	→	↑	↑	↑	→	◇		بی‌مایگی رسانه دولتی
محرك	۳	۱	۴	→	↑	↑	↑	◇	↑		دستکاری واقعیت
پیامد	-۵	۵	۰		→	→	◇	→	→	→	بی‌تفاوتی
پیامد	-۴	۵	۱	→	→	◇	↑	→	→	→	ناراضی از جامعه
پیامد	-۱	۳	۲	→	◇	↑	↑	→	→		عدم تأمین سرگرمی
محرك	۴	۰	۴		↑	↑		↑	↑		سیاسی و ایدئولوژیک بودن

(پ) نمودار تأثیرگذاری‌های سیستمی (SID)

پیامدهای سیستمی ثانویه	پیامدهای سیستمی اولیه	محرك‌های سیستمی ثانویه	محرك‌های سیستمی اولیه
------------------------	-----------------------	------------------------	-----------------------



در تحلیل سیستم برون‌ایستادگان سرگرمی‌خواه ناراضی شرکت‌کننده، با توجه به نمودار SID به طور خلاصه می‌توان گفت که برخلاف تصور پیشینی که این گونه از برون‌ایستادگان را غیرسیاسی می‌داند، دو مؤلفه‌ی سیاسی و ایدئولوژیک بودن و دستکاری واقعیت، مؤلفه‌های محرک اصلی سیستم برون‌ایستادگی سرگرمی‌خواهی است که در نهایت پیامدی چون بی‌تفاوتی و نارضایتی از جامعه را به دنبال خواهد شد. با توجه به این که این بی‌تفاوتی در نقطه‌ی کانون پیامدی نمودار قرار گرفته است، می‌توان گفت که موجه‌دانستن بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به جامعه و وضعیت اجتماعی آن، که متضمن نوعی گریز از آزادی به تعبیر فروم و یا گریز از مسئولیت اجتماعی نیز هست، نقطه‌ی مطلوبی است که این دسته از برون‌ایستادگان از آن در نگاه تعلیلی سیستمی‌شان، احساس رضایت و مطلوبیت می‌کنند.

۱۰-۳-۳- اجرای مصاحبه‌ی گروه کانونی برون‌ایستادگان ابتدال

شناسایی پیوندهای درونی؛

در این گروه از برون‌ایستادگان نیز، مفاهیم تعلیلی شناسایی شده در مراحل پیشین با گروه کانونی در میان گذاشته شد و پس از اعمال نظر آن‌ها به صورت جرح و تعدیل شده به عنوان پیوندهای درونی سیستم برون‌ایستادگی، مورد شناسایی قرار گرفتند و به کمک ۷ عضو گروه کانونی، نام‌گذاری شده‌اند؛

نام پیوند درونی	مفهوم پیوند درونی
مراقبت از ذهن	دیده‌بانی ذهن برای جلوگیری از پالودن به عصبیت و بیهودگی ناشی از احترام به خود
وفاداری به سلامت و اخلاق	ناسالم بودن اخلاقی تلویزیون به دلیل دروغ و تزویر و کوتاه‌بینی
انتظار احترام از سوی رسانه	گریز از احمق‌پنداری مخاطب و سرخوردگی انتظار احترام
ارزشمند دانستن زمان	پرهیز از اتلاف وقت
گریز از ابتدال	سطحی بودن و عوام‌زدگی موجود در رسانه‌ی دولتی
پرهیز از تعارض و دوگانگی	گریز از مواجهه با تزویر و جهان‌فاصله‌گذاری شده رسانه‌دولتی
آرامش	پرهیز از تنش ذهنی و عصبی

بنابراین پیوندهای درونی سیستمی در نگاه برون‌ایستادگان ابتدال، از شش مؤلفه تشکیل شده است که عبارتند از؛ مراقبت از ذهن، وفاداری به سلامت و اخلاق، انتظار احترام از رسانه، ارزشمند دانستن زمان، گریز از ابتدال، پرهیز از تعارض و دوگانگی، آرامش.

در مرحله‌ی بعد ارتباط‌های سیستمی این مولفه‌ها، با داوری اعضای گروه کانونی مورد شناسایی قرار خواهند گرفت تا منتج به مدل تعلیلی و نمودار SID شود.
 الف) جدول روابط پیوندهای درونی (ART) برون ایستادگان ابتدال در این جدول و نمودار IRD که پس از آن خواهد آمد، دانشجو، نظرات شرکت‌کنندگان در خصوص ارتباط بین مولفه‌های درونی را مورد شناسایی قرار داد که حاصل آن را در جدول زیر گزارش می‌کند؛

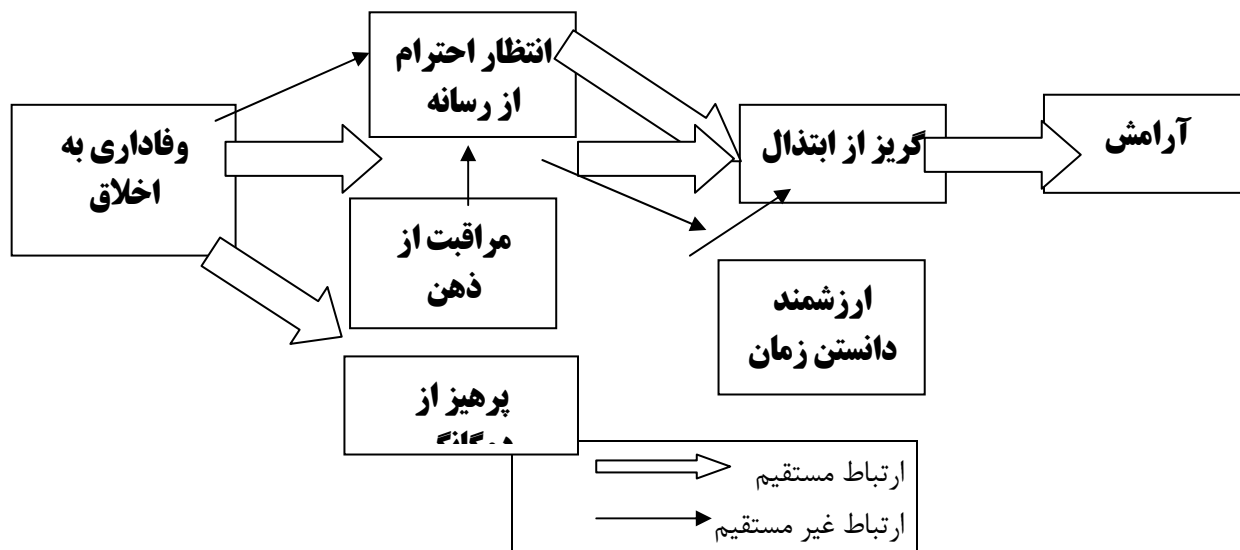
فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها	فراوانی	رابطه‌ی بین پیوندها
۴	انتظار احترام از سوی رسانه → ارزشمند دانستن زمان	۵	مراقبت از ذهن → وفاداری به سلامت و اخلاق
۳	انتظار احترام از سوی رسانه ← گریز از ابتدال	۳	انتظار احترام از سوی رسانه ← مراقبت از ذهن
	انتظار احترام از سوی رسانه ◊ پرهیز از دوگانگی و تعارض		مراقبت از ذهن ◊ ارزشمند دانستن زمان
	انتظار احترام از سوی رسانه ◊ آرامش	۴	مراقبت از ذهن ← گریز از ابتدال
	ارزشمند دانستن زمان ◊ گریز از ابتدال	۴	مراقبت از ذهن → پرهیز از دوگانگی و تعارض
	ارزشمند دانستن زمان ◊ پرهیز از دوگانگی و تعارض	۴	مراقبت از ذهن ← آرامش
	ارزشمند دانستن زمان ◊ آرامش		وفاداری به سلامت و اخلاق ◊ انتظار احترام از سوی رسانه
	گریز از ابتدال ◊ پرهیز از دوگانگی و تعارض		وفاداری به سلامت و اخلاق ◊ ارزشمند دانستن زمان
۵	گریز از ابتدال ← آرامش	۵	وفاداری به سلامت و اخلاق ← گریز از ابتدال
۶	پرهیز از دوگانگی و تعارض ← آرامش	۳	وفاداری به سلامت و اخلاق ← پرهیز از دوگانگی و تعارض
		۳	وفاداری به سلامت و اخلاق ← آرامش

ب) نمودار روابط درونی سیستم برون‌ایستادگی ابتدال (IRD)

نشانه	دلتا	ورودی	خروجی	آرامش	پرهیز از دوگانگی	گریز از ابتدال	ارزشمند دانستن زمان	انتظار احترام از رسانه	وفادار به سلامت و اخلاق	مراقبت از ذهن	
محرك	۱	۲	۳	↑	→	↑		↑	→	◇	مراقبت از ذهن
محرك	۴	۰	۴	↑	↑	↑			◇	↑	وفاداری به سلامت و اخلاق
محرك	۱	۱	۲			↑	↑	◇		→	انتظار احترام از رسانه
پیامد	-۱	۱	۰				◇	→		→	ارزشمند دانستن زمان
پیامد	-۲	۳	۱	↑		◇		→	→	→	گریز از ابتدال
محرك	۱	۱	۲	↑					→	↑	پرهیز از دوگانگی
پیامد	-۴	۴	۰	◇	→	→		→	→	→	آرامش

پ) نمودار تأثیر گذاری های سیستمی (SID) برون ایستادگان ابتدال

پیامدهای سیستمی پیامدهای سیستمی محرک‌های سیستمی محرک‌های سیستمی
 ثانویه اولیه ثانویه اولیه



با توجه به ترسیمات دیداری، به ویژه نمودار SID، می توان گفت که محرک اصلی در برساختن برون ایستادگی ابتدال، وفاداری به اخلاق و سلامت نفس در میان شرکت کنندگان بوده است. مراقبت از ذهن و تقوای رسانه‌ای در صورت‌های مختلفش گریز از ابتدال را در سیستم برون ایستادگی این افراد تعریف کرده است که در نهایت اصلی ترین پیامد خود را آرامش تعریف می کند.

با این وصف، می توان گفت که آرامش نقطه‌ی مطلوب پیامدی برای برون ایستادگان ابتدال مشارکت کننده در این مطالعه بوده است.

۱۱- جمع بندی یافته‌های تحلیل کیفی تعاملی:

مطالعه تحلیل کیفی تعاملی، با استفاده مصاحبه‌های عمقی انفرادی از ۲۹ شرکت کننده و گونه‌های شناسایی شده‌ی برون ایستادگی و همپنین با توجه به اجرای سه مصاحبه گروه کانونی در طبقه بندی سه گانه برون ایستادگی به دنبال کشف علت یا پاننه کنش برون ایستادگی در هر یک از گونه‌های شناسایی شده بوده است. در بررسی تطبیقی مفاهیم اصلی و پیوندهای درونی سیستم برون ایستادگی نتایجی به دست آمد که در قالب گزاره‌های زیر، قابل تحلیل است؛

۱- آرامش؛ قرابت مطلوبیت پیامدی در برون ایستادگان اعتراض - مقاومت و

برون ایستادگان ابتدال

آنچه در مواجهه به گونه‌های برون ایستادگی در گام نخست و از نتایج نظریه داده بنیاد بر نمی آید و تحلیل کیفی تعاملی توانسته است پرده از چهره‌ی آن برگیرد، این است که برون ایستادگان اعتراض - مقاومت و برون ایستادگان ابتدال، با نقطه عزیمت‌هایی که فرسنگ‌ها با یکدیگر فاصله دارند، نقطه اشتراکی در مطلوبیت پیامدی شان دارند که «آرامش» است. آرامش با انفعال و وضعیت بی عملی اجتماعی و سیاسی پیوند می خورد و این نتیجه‌ای جز یک برون ایستادگی توأم با سکوت سنگین اجتماعی در جامعه‌ی تحت مطالعه، نخواهد داشت.

این پیامد معطوف به هدف در برون‌ایستادگی سرگرمی‌خواه نیز به شکل بی‌تفاوتی بروز می‌کند؛ که مشابه همین انفعال و بی‌عملی انتقادی را رغم می‌زند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که در گونه‌های برون‌ایستادگی مطالعه شده، انتظار عمل انتقادی و اصلاحی نمی‌رود و برون‌ایستادگی فرایندی نه رو به جلو و اصلاحی که روندی «در خود فرو رونده» است.

۲- برجستگی ایدئولوژی و سیاست‌زدگی متون رسانه‌ای برای برون‌ایستادگان

سرگرمی خواه

دیگر واقعیتی که با مطالعه‌ی «نظریه داده بنیاد» در حجاب مانده بود و تحلیل کیفی تعاملی از پرده‌ی مستوری به در آوردش، این بود که به خلاف آمد آن‌چه در بادی امر اندیشیده می‌شد، برون‌ایستادگی سرگرمی‌خواه نیز سوبه‌های پررنگ ضد ایدئولوژیک و ضد سیاست‌زدگی در متون رسانه‌ای دارد و مولفه‌ی اصیل محرک برون‌ایستادگی‌اش را در گریز از ایدئولوژی و سیاست تعریف می‌کند. با این وصف، و با توجه به این‌که در برون‌ایستادگان ابتدال نیز بر مفهوم دوگانگی و جهان فاصله‌گذاری شده‌ی رسانه‌ی دولتی مغایر با جهان برون‌ایستادگان است، می‌تواند برون‌ایستادگی را یک امر سیاسی دانست.

۳- فرایند برون‌ایستادگی متضمن نوعی گریز

در هر سه‌گونه‌ی برون‌ایستادگی شناسایی شده، مفاهیمی چون آرامش و بی‌تفاوتی و فاصله‌گرفتن از جامعه در نقاط پیامدی برون‌ایستادگی تعریف شده اند که در نگاه برون‌ایستادگان نیز عملاً به هیچ نتیجه‌ی ایجابی و اصلاحی در ارتباط با رسانه‌ی دولتی و جامعه نمی‌انجامد. بنابراین، کنش برون‌ایستادگی متضمن نوعی توجه وضعیتی نابسامان در نگاه کنشگر و گریز از آن است.

۴- محرک‌های سیستمی مشابه در برون‌ایستادگان ابتدال و برون‌ایستادگان

اعتراض - مقاومت

برجستگی فردیت در برون‌ایستادگان ابتذال، خود را در پیوندهای درونی و مولفه‌هایی چون «احترام به خود» و یا «وفاداری به اخلاق» که نه اخلاقی ایستا و نص‌گونه، که اخلاقی خودآیین و پویا است، و یا «مراقبت از ذهن» که در واقع مراقبت از نفس است و منتج از خودانگاره‌ی کنشگر و شأنی که برای خود قائل است، نشان می‌دهد. این فردیت در مولفه‌ی محوری برون‌ایستادگی اعتراض - مقاومت نیز در قالب «احترام به خود» ظاهر می‌شود. این همه نشان از فردی بودن کنش برون‌ایستادگی و مشابهت آن در گونه‌های برون‌ایستادگی دارد. بنابراین درباره‌ی برون‌ایستادگان می‌شود از جمعیت پنهان و گمنامی سخن گفت که در رضایت‌ها و آرامش‌ها و فراموشی‌های فردی‌شان میلی به گروه شدن و اجتماع شدن ندارند و فردیت‌شان، تصمیم‌گیر اصلی میدان برون‌ایستادگی است.

۱۲- سخن آخر؛

این مقاله با ترسیم ویژگی‌های برون‌ایستادگان و تحلیل تعلیلی برون‌ایستادگی، به دنبال آن بود که به مثابه زنگ هشدار برای مدیران و سیاستگذاران رسانه‌های دولتی در ایران عمل کند. این زنگ هشدار، ناشی از اتخاذ سیاست فاصله‌گذاری در رسانه‌های دولتی است که آرام برخی مخاطبانِ حدی را در هم ریخته است و آنان در طلب آرامش، استراتژی گسست را انتخاب کرده‌اند.

این مقاله، با ترسیم مفاهیم کانونی برون‌ایستادگی و با برشمردن علل ظاهری و تلویحی برون‌ایستادگی، می‌تواند به عنوان یک واقعیت ضخیم ترسیم شده، راه را برای آشتی سیاستگذاران رسانه‌های دولتی و برون‌ایستادگان بگشاید و به درون‌کشیدن آنان با تغییر و تعدیل وضعیت خود ممکن سازد.

ترسیم اهداف راهبردی، راهبردها و الگوهای اقدام رسانه‌های دولتی برای کاستن فاصله و به درون کشیدن برون‌ایستادگان به عنوان یک عنوان پژوهشی مستقل در حیطه‌ی مدیریت رسانه، می‌تواند راهگشای تداوم این تحقیق باشد و دغدغه‌های پنهان در این مقاله را به انضمامی شدن هدایت کند.

منابع و مأخذ :

- محمدپور، احمد (۱۳۹۱) روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، انتشارات جامعه شناسان.
- آگامین، اشمیت، بنیامین، ارنست، ژیتزک، رانسیر، دریدا (۱۳۸۹) ... ، قانون و خشونت، مرادفرهادپور، امید مهرگان، صالح نجفی، تهران، رخ دادنو، چاپ اول.
- آدورنو، تئودور و هورکهایمر، ماکس (۱۳۸۴) دیالکتیک روشنگری، ترجمه: مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: نشر گام نو.
- آگامین، جورجو (۱۳۸۸) قانون و خشونت، ترجمه: مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: نشر رخداندنو.
- آگامین، جورجو (۱۳۸۹) اجتماع آینده، ترجمه: محمدرضا قربانی، تهران: نشر رخداندنو
- ژیتزک، اسلاوی (۱۳۸۷) «کلیت و استثنای آن»، در کتاب سینما ۱، ترجمه: صالح نجفی، ویرایش مازیار اسلامی، تهران: نشر رخداندنو.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱) روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- کاظمی، عباس (۱۳۸۸) پرسه زنی و زندگی روزمره ایرانی، تهران: انتشارات آشیان.
- حقیقی، ابراهیم (۱۳۷۴). نظرات مردم تهران درباره رسانه‌ها. طرح تحقیقی به سفارش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی زاده و سبحان یحیائی ۱۸۷

- هیرشمن، آلبرت (۱۳۸۳) خروج، اعتراض، وفاداری، ترجمه‌ی محمد مالجو، تهران: نشر شیرازه.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲) کلان‌شهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم.
- زیمل، گئورگ (۱۳۹۳)، درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- بدری، امین (۱۳۹۲). عادات رسانه‌ای شهروندان تهرانی «از دیدگاه شهروندان تهرانی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- برخوردار، مریم (۱۳۹۲). مخاطب‌شناسی رسانه با رویکرد داده کاوی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

References;

- Gubrium, J., & Holstein, J. (2001). Handbook of interview research. London: SagePublications.
- Depoy, E., & Gitlin, L. (2005). Introduction to research: Understanding and applying multiple strategies (3rd Ed.). St. Louis: Mosby Press.
- Northcutt, N., McCoy, D. (2004). Interactive Qualitative Analysis: a Systems Method for Qualitative Research. US: Sage.
- Price Deborah and Cameron Sheila, (2010) "Business Research Methods, a Practical
- Benjamin, Walter (1999a) Selected Writings, Volume 2: 1927–1934, Michael Jennings, Howard Eiland and Gary Smith, (eds), Harvard University Press
- Benjamin, Walter (1999b) The Arcades Project, trans. by Howard Eiland and Kevin McLaughlin, Harvard University Press

- Fisk, John(1994) *Television Culture*, London: Rutledge.
- Morgan D.L. (1988) *Focus groups as qualitative research*. London: Sage.

¹ Calling

² Exteriority

³ Affinity Relationship Table

⁴ Inter relationship Diagram

⁵ System Influence Diagram

⁶ Affinity

⁷ Quilt pieces